

## ارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث بودن\*

سید احمد حسینی حنیف\*\*

### چکیده

این نوشته به بررسی میزان سهم الارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث بودن او پرداخته است. در عمده موارد انحصار وراثت، تمامی ترکه به وارث انحصاری داده می‌شود، اما در فرضی که زوجه تنها وارث زوج متوفی خود باشد، در میزان ارث بردن او اختلاف نظر وجود دارد. فقهای امامیه در این موضوع سه دیدگاه دارند: ۱. زوجه یک چهارم ترکه را به فرض و باقی را به رد می‌برد؛ ۲. زوجه فقط سهم مفروض را می‌برد؛ باقی مانده در حکم اموال بلا وارث است؛ ۳. در زمان حضور امام علیه السلام زاید بر فرض زوجه به امام علیه السلام داده می‌شود و در زمان غیبت به زوجه رد می‌شود. نویسندگان معتقد است که زوجه فقط مستحق سهم منصوص در قرآن می‌باشد و باقی اموال با توجه به اثبات نیابت فقهای جامع شرایط فتوا و تقلید در اجرای احکام شرعی از سوی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

**کلید واژه‌ها:** ارث زوجه، انحصار وراثت زوجه، فقیه جامع شرایط فتوا و تقلید، رد باقیمانده

ترکه، عصر غیبت.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۲۲

\*\* دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و محقق جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه مشهد

## مقدمه

قرن بیستم آغاز جنبش حقوق زنان است. خردمندان و عدالت‌طلبان مؤثر در تنظیم مقررات ملی و بین‌المللی بر نهادهای کشوری و بین‌المللی فشارهایی جهت تأمین حقوق ضایع شده زنان آوردند. مهمترین دستاوردهای این جنبش طرح جدی حقوق زنان و تحمیل مقررات حمایتی در قالب منشور، کنوانسیون و ... محسوب می‌گردد، اما این تلاش‌های ارزشمند در بستری از زمان فکری قرار گرفت که بشر عصر اندیشه مذهبی را کنار نهاده بود و حقوق طبیعی و تجربی، تنها نظام معتبر تأسیس مقررات حقوقی محسوب می‌گشت. نظریاتی که از سوی مکاتب گوناگون فکری - فلسفی و نظام‌های حقوقی ارائه شد، همچون سایر رهاوردهای فکر بشری از افراط و تفریط بیرون نیست.

در حوزه حقوق زنان نیز بدون توجه به تفاوت‌های طبیعی و تمایزهای جسمی زنان با مردان تلاش در جهت هم‌شکلی حقوقی آنها در تکالیف و حقوق آغاز گردید. حمایت‌هایی که به طور طبیعی و سنتی برای زنان در طول تاریخ شکل گرفته بود و در جوامع ضمانت اجرایی محکمی یافته بود، نابود شد و او را رقیب اجتماعی و هم‌عرض مردان قرار داد. حمایت‌های پدر در خانواده، شوهر در زندگی مشترک و ... بی‌مقدار تلقی گشت و زنان حامی خود و واجد همه نوع حقوق و مزایای قانونی مساوی با مردان قلمداد شدند. مواد اول تا سوم کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اوج این تلاش‌ها را پیش‌بینی کرده است:

**ماده ۱:** از نظر این کنوانسیون، عبارت: «تبعیض علیه زنان» به معنی قائل شدن هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است.

**ماده ۲:** دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم می‌نمایند و موافقت می‌نمایند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تقیید نمایند و بدین منظور بر امور زیر تعهد می‌نمایند:

الف) گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی اگر تا کنون چنین کاری انجام نشده است و حصول اطمینان از تحقق عملی این اصل، از طریق وضع قانون (منظور قوانین عادی لازم‌الاجراست) و طرق مناسب دیگر؛

ب) اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان؛

ج) حمایت قانون از حقوق زنان بر اساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت مؤثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاه‌های صالح ملی و دیگر مؤسسات عمومی؛

د) خودداری از انجام هر گونه اقدام و عمل تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین این که مقامات و مؤسسات عمومی طبق این تعهد عمل نمایند؛

هـ) اتخاذ هر گونه اقدام مناسب برای رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا مؤسسه؛

و) اتخاذ تدابیر لازم، از جمله تدابیر قانونگذاری برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض‌آمیز هستند؛

ز) نسخ کلیه مقررات کیفری داخلی که تبعیض علیه زنان را در بردارند.

**ماده ۳:** دولت‌های عضو در همه زمینه‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تمام اقدامات لازم از جمله قانونگذاری را اعمال خواهند کرد تا از توسعه و پیشرفت کامل زنان اطمینان حاصل کنند و در نتیجه، برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر پایه تساوی با مردان تضمین کنند.

این اندیشه به انکار زن بودن زن انجامیده و کوششی جهت خروج زن از عالم زنانگی است؛ همسر بودن، مادر بودن، تداوم دهنده نسل بشری و ... ناسازگار با شخصیت زن تلقی گردیده است.

علم اثبات کرده، مادری در زنان ضرورتی حیاتی برای جسم و بدن آنها است و احساس مادری از نظر روانی لذت‌بخش‌ترین بخش زنانه است که زندگی آنان را معنادار و با مفهوم می‌سازد؛ تهی ساختن زن از این احساس، انکار برخی از کیان و هستی اوست و ضرر بیرونی این وضعیت محروم ساختن فرزندان و جامعه از محبت و احساس مادران است.

این نوشته قصد طرح آسیب‌های حقوقی و اجتماعی دست‌آورد های جنبش سکولار حقوق زنان را ندارد، بلکه هدف آن بررسی یکی از اسباب مالکیت زنان یعنی ارث آنها از ترکه شوهران‌شان است. «حق مالکیت» زنان و «اسباب تملک مال» توسط آنها، در تاریخ اقتصادی بشری گذشته‌ای مظلوم دارد اما فقه اسلامی برای زوجه حمایت‌های

مالی متعددی در نظر گرفته است: ۱. نفقه؛ ۲. مهریه؛ ۳. نخله؛ ۴. سهم زوجه در دارایی مشترک و ۵. حق الزحمه خدمات داخل منزل. در این نوشته بررسی خواهیم کرد که بر اساس فقه امامیه در فرضی که زوجه تنها وارث باشد پس از ادای حق مفروض او، باقیمانده اموال و ترکه زوج چه سرنوشتی خواهد داشت.

## ارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث بودن در قرآن و سنت

از جمله مواردی که میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد، فرضی است که زوجه تنها وارث متوفی باشد. این که باقیمانده ترکه پس از اخراج فرض زوجه چه حکمی دارد؟ مقررات ناشی از فقه حنفی باقیمانده را به زوجه می‌دهد.

### ۱. ارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث بودن در قرآن کریم

قرآن اشاره‌ای به میزان ارث زوجه در صورتی که تنها وارث باشد نکرده است. این حکم در روایات طرح شده و مورد بحث فقهای امامیه قرار گرفته است.

### ۲. ارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث بودن در سنت

روایات دال بر تعیین زاید بر سهم زوجه مختلف است؛ برخی حکم به رد به زوجه می‌کند، برخی دیگر آن را در حکم اموال بلا وارث یا سهم امام علیه السلام می‌دانند. مرحوم شیخ محمد بن حسن بن حر عاملی تمامی احادیث راجع به تعیین ارث شخصی که جز زوجه وارث دیگری ندارد را تحت عنوان «باب میراث الزوجة إذا انفردت» در کتاب شریف *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه* جمع‌آوری و تعداد آن را بازده عدد ذکر کرده است. (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۰۱-۲۰۴) مرحوم آیت‌الله آقا حسین طباطبایی بروجردی در کتاب جامع الاحادیث شیعه احادیث این موضوع را سیزده عدد ذکر کرده است که آنها را در ادامه ذکر و بررسی خواهیم کرد.

### حدیث اول

عن ابی بصیر قال سألت أبا جعفر علیه السلام عن امرأة ماتت و ترکت زوجها لا وارث لها غیره، قال: إذا لم یکن غیره فله المال و المرأة لها الرّبع و ما بقی فلاًمام. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹: ۲۹۴ و همو، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۴۹)

از ابوبصیر نقل شده است که از امام باقر علیه السلام درباره میزان ارث مردی که تنها وارث زوجه‌اش باشد پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند: اگر زنی بمیرد و جز شوهر وارث دیگری نداشته باشد، تمامی اموال به او داده می‌شود و اگر زن تنها وارث شوهرش باشد یک

چهارم اموال به او داده می‌شود و باقی در اختیار امام قرار می‌گیرد. این حدیث یک سند دارد: شیخ طوسی عن احمد بن محمد بن عیسی عن معاویة بن حکیم عن اسماعیل عن ابي بصیر. این سند به دلیل وجود اسماعیل که معلوم نیست چه کسی و کدام اسماعیل است، معتبر نمی‌باشد. (محسنی، ۱۴۳۰: ۵۵۴)

### حدیث دوم

فأذا ترك الرجل أمرته فللمرأة الربع وما بقى فللقرابة ان كان له قرابة و ان لم يكن له أحد حصل ما بقى للأمام المسلمين فان تركت المرأة زوجها فلها النصف و النصف الآخر لقرابة لها إن كانت فان لم تكن لها قرابة فالنصف يرد على الزوج. (ابن بابويه قمی، ۱۴۰۶: ۲۸۷)

اگر مردی جز زوجه‌اش وارثی نداشته باشد، یک چهارم اموال به او داده می‌شود و باقی به اشخاصی که دارای قرابت با متوفی است داده می‌شود و اگر خویشاوند نداشته باشد، در اختیار امام قرار می‌گیرد. اگر زن جز شوهر وارث دیگری نداشته باشد، نیمی از اموال متوفی را به فرض می‌برد و باقی به خویشاوندان متوفی داده می‌شود و اگر خویشاوندی نداشته باشد، شوهر متوفی نیم دیگر را به رد می‌برد. این حدیث در کتاب فقه الرضا علیه السلام ذکر شده است. این کتاب معلوم نیست متعلق به چه کسی است و استناد آن به ابن بابویه قمی دلیل معتبری ندارد. مصدر این حدیث مجهول و سندش مرسل است.

### حدیث سوم

عن ابي عبد الله عليه السلام قال قلت له: رجل مات و ترك امرأته، قال: المال لها. قلت: المرأة ماتت و تركت زوجها، قال: المال له. (طوسی، همان: ۲۹۵ و همو، همان: ۱۵۰)

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که فوت کرده و تنها وارث شوهرش باشد پرسیده است، امام علیه السلام فرمودند: تمام مال برای شوهر است. باز پرسیده است اگر مردی بمیرد و تنها وارث زنش باشد، فرمودند: همه مال شوهر به آن زن می‌رسد. این حدیث یک سند دارد: شیخ طوسی عن أحمد بن محمد بن عیسی (عن محمد بن عیسی — یب) عن محمد ابن ابي عمیر عن ابن مسکان عن ابي بصیر. این سند معتبر است.

## حدیث چهارم

عن محمد بن نعیم الصحّاف قال مات محمد ابن أبی عمیر (بیّاع السّابری-کا) و أوصی إلیّ و ترک امرأة و لم یترک وارثاً غیرها فکتبت إلی العبد الصّالح علیه السلام فکتب إلیّ أعط المرأة الرّبّع و أحمل الباقی الینا. (کلینی، بی تا، ج ۷: ۱۲۶؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹: ۲۹۵؛ همو، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۵۰)

محمد بن نعیم می گوید: محمد بن ابی عمیر مرا وصی خویش قرار داده بود. بعد از فوتش وارثی جز همسرش نداشت. با امام کاظم علیه السلام در مورد حکم ترکه اش مکاتبه کردم؛ ایشان نوشتند یک چهارم اموالش را به زوجه اش بده و باقی را به سوی ما بفرست. این حدیث دو سند دارد: ۱. سند شیخ کلینی: حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن محمد بن الحسن بن زیاد العطار عن محمد بن نعیم الصحّاف؛ ۲. سند شیخ طوسی: الحسن بن محمد بن سماعة عن محمد بن الحسن بن زیاد العطار عن محمد بن نعیم الصحّاف. سند این حدیث صحیح است.

## حدیث پنجم

عن أبی جعفر علیه السلام فی زوج مات و ترک امرأة. قال: لها الرّبّع و یدفع الباقی الی الامام. (کلینی، همان: ۱۲۷؛ طوسی، همان: ۲۹۶؛ همو، همان: ۱۵۰)

از امام باقر علیه السلام درباره میزان ارث بردن زوجه ای که تنها وارث باشد پرسیده شد، ایشان فرمودند: یک چهارم به زوجه داده شود و باقی به امام. این حدیث دو سند دارد: ۱. سند شیخ طوسی: سهل بن زیاد عن علی بن أسباط عن خلف بن حماد عن موسی بن بکر عن محمد بن مسلم؛ ۲. سند شیخ کلینی: عدّه من أصحابنا عن سهل بن زیاد عن علی بن أسباط عن خلف بن حماد عن موسی بن بکر عن محمد بن مسلم. سهل بن زیاد ضعیف و موسی بکر مجهول است؛ این روایت غیر معتبر می باشد.

## حدیث ششم

عن أبی بصیر قال قرأ علیّ أبو جعفر علیه السلام فی الفرائض امرأة توفّیت و ترکت زوجها قال المال کلّه للزوج و رجل توفّی و ترک امرأته قال للمرأة الرّبّع و ما بقی فللأمام. (کلینی، همان: ۱۲۶)

ابوبصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام احکام میراث را بیان می‌فرمودند؛ در مورد زنی که بمیرد و جز شوهرش وارث دیگری نداشته باشد فرمودند: تمامی ترکه متوفی به شوهرش داده می‌شود. اگر مردی بمیرد و جز زوجه‌اش وارث دیگری نداشته باشد یک چهارم ترکه به زوجه و باقی به امام داده می‌شود. این حدیث یک سند و سه طریق دارد: ۱. حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد عن علی بن الحسن بن رباط عن محمد بن سکین عن ابي بصير؛ ۲. علی ابن ابي حمزه عن مشمعل عن ابي بصير؛ ۳. ابن رباط عن مشمعل عن ابي بصير. طریق دوم به دلیل علی ابن ابي حمزه که مجهول است، غیر معتبر می‌باشد؛ باقی صحیح است.

### حدیث هفتم

عن ابي بصير عن ابي جعفر علیه السلام فی رجل توفی و ترک امرأته فقال للمرأة الربع و ما بقی فلأمام. (همان)

امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر مردی بمیرد و جز زوجه‌اش وارث دیگری نداشته باشد، یک چهارم اموالش به زوجه داده می‌شود و باقی در اختیار امام قرار می‌گیرد. این حدیث یک سند دارد؛ سند کلینی: حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد عن وهیب بن حفص عن ابي بصير. سند این حدیث صحیح است.

### حدیث هشتم

عن ابي بصير قال سألت ابا جعفر علیه السلام عن امرأة ماتت و ترک زوجها و لا وارث لها غیره قال اذا لم یکن غیره فالمال له و المرأة لها الربع و ما بقی فللإمام. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۹۱)

ابوبصیر می‌گوید از امام باقر علیه السلام میزان ارث مردی را که تنها وارث زوجه‌اش است، پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند: اگر زنی جز شوهرش وارث دیگری نداشته باشد، تمامی ترکه به زوج داده می‌شود و اگر زنی جز شوهرش وارث دیگری نداشته باشد، یک چهارم به او داده می‌شود و باقی در اختیار امام قرار می‌گیرد. این حدیث یک سند دارد؛ شیخ صدوق: عن معاوية بن حکيم عن علی بن الحسن بن زید عن مشمعل عن ابي بصير. این حدیث در کتاب الاحادیث المعترية فی جامع احادیث الشیعة، احتمالاً به خاطر «مشمعل» معتبر محسوب نشده است. (محسنی، همان: ۵۵۴)

## حدیث نهم

عن أبي عبدالله عليه السلام في امرأة ماتت و تركت زوجها. قال: فالمال كله له. قلت

الرجل يموت و يترك امرأته. قال: المال لها. (ابن بابويه، همان: ۱۹۲)

امام صادق عليه السلام در مورد زنی که جز شوهرش وارث دیگری نداشته باشد، فرمودند: تمامی ترکه او به زوجش داده می‌شود و در مورد مردی که جز زوجه‌اش وارث دیگری نداشته باشد، فرمودند: تمامی اموال به زوجه داده می‌شود. این حدیث یک سند دارد؛ شیخ طوسی: عن محمد ابن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن أبي بصير. این حدیث معتبر است.

## حدیث دهم

مما روی عن علی عليه السلام أنه قضی فی رجل هلک و لم یخلف وارثاً غیر امرأته فقضى لها بالميراث كله و فی امرأة توفیت ولم تدع وارثاً غیر زوج لها فقضى له بالميراث كله. (تمیمی مغربی، بی تا، ج ۲: ۳۹۳)

برخی نقل کرده‌اند که حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام اموال زنی را که جز شوهرش وارث دیگری نداشت به او داد و همچنین اموال مردی را که جز زوجه‌اش وارث دیگر نداشت، به او داد. این حدیث یک سند دارد؛ سند دعائم الاسلام که مرسل نقل کرده است.

## حدیث یازدهم

فاذا ترك الرجل امرأة فللمرأة الربع و ما بقى فللقربة ان كانت له فان لم يكن له قربة جعل ما بقى لامام المسلمين. (ابن بابويه قمی، ۱۴۰۶: ۲۸۷ و همو، ۱۴۱۵: ۱۷۰ و ۱۹۲)

اگر مردی جز زوجه‌اش وارث دیگری نداشته باشد، یک چهارم اموال متوفی به زوجه و باقی به خویشاوندان او می‌رسد. اگر خویشاوندی نداشته باشد در اختیار امام قرار داده می‌شود. این حدیث در دو جا نقل شده است: ۱. کتاب فقه الرضا عليه السلام؛ ۲. کتاب المقنع. سند اول، مصدرأ غیر معتبر است و دوم مرسل نقل شده است.

## حدیث دوازدهم

كتب محمد بن حمزة العلوی الى أبي جعفر الثاني عليه السلام مولی لك أوصی الى بمائة درهم و كنت اسمعه يقول كل شيء لي فهو لمولاي فمات و تركها و لم



يأمر فيها بشئ و له امرأتان أما واحدة (فبغداد\_كا) و لأعرف لها موضعاً  
السّاعة و الأخرى بقم فما الذى تأمرنى فى هذه المائة در هم فكتب عليه  
السلام إلى أنظر أن تدفع هذه الدرّاهم الى زوجتى الرجل و حقهما من ذلك  
التمن إن كان له ولد فإن لم يكن له ولد فالربع و تصدق بالباقي على من تعرف  
أن له إليه حاجة إن شاء الله. (كليني، همان: ۱۲۶؛ طوسی، پیشین: ۲۹۶؛ همو،  
همان: ۱۵۰)

محمد بن حمزه نامه‌ای به امام جواد علیه السلام نوشته و پرسیده است، یکی از شیعیان  
شما مرا وصی خویش قرار داده و از او صد درهم باقی مانده است که وصیتی در مورد  
آن نکرده است. از او شنیده بودم که گفته بود هرچه من دارم متعلق به مولایم (امام علیه السلام)  
است. متوفی جز دو زوجه که یکی در قم و دیگری مکانش معلوم نیست، وارثی ندارد.  
حکم این صد درهم چیست؟ امام جواد علیه السلام نوشتند: اگر متوفی فرزندی دارد، یک هشتم  
و اگر فرزندی ندارد، یک چهارم به زوجه‌هایش داده می‌شود و باقی را به اشخاص  
محتاج صدقه بدهید. این حدیث دو سند دارد: ۱. سند کلینی؛ این سند دو طریق دارد:  
الف) عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن علي بن مهزيار، قال: كتب محمد بن حمزة  
العلوي الى أبي جعفر الثاني عليه السلام؛ ب) محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن  
مهزيار، قال: كتب محمد بن حمزة العلوي الى أبي جعفر الثاني عليه السلام؛ ۲. سند شيخ طوسي:  
أحمد بن محمد عن علي بن مهزيار، قال: كتب محمد بن حمزة العلوي الى أبي  
جعفر الثاني عليه السلام. هر دو سند به دلیل وجود محمد بن حمزة العلوي که مختلف فيه است،  
غير معتبر می‌باشد.

### حدیث سیزدهم

عن أبي عبدالله عليه السلام قال: لا يكون الردّ على زوج و لازوجة. (همان: ۱۴۹)  
از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به زوج و زوجه در تقسیم میراث رد نمی‌شود.  
این روایت یک سند دارد؛ شیخ طوسی: عن علي بن الحسن (بن فضال\_صا) عن الحسن  
بن علي بن بنت الياس عن جميل بن دراج. این سند معتبر است.

## حدیث چهاردهم

سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن رجل مات و ترك امرأة قرابة ليس به قرابة غيرها، قال: يدفع المال كله إليها. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹: ۲۹۶)

از امام رضا عليه السلام درباره میزان ارث زنی که تنها وارث شوهرش است و جز رابطه زوجیت قرابتی ندارد، پرسیده شد. امام عليه السلام فرمودند: تمامی ماترک به او داده می‌شود. این حدیث یک سند دارد؛ شیخ طوسی: عن أحمد بن محمد بن عیسی عن البرقی عن محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار البصری. این سند معتبر است.

## حدیث پانزدهم

أبی جعفر عليه السلام فی زوج مات و ترك امرأة. قال عليه السلام: لها الربع و يدفع الباقي إلى الامام.

امام باقر عليه السلام در مورد میزان ارث زنی که تنها وارث شوهرش باشد، فرمودند: یک چهارم به زوجه و باقی در اختیار امام قرار می‌گیرد. این حدیث یک سند دارد؛ شیخ طوسی: عن سهل بن زیاد عن علی بن أسباط عن خلف بن حماد عن موسى بن بكر عن محمد بن مروان. این سند به دلیل سهل بن زیاد غیر معتبر است.

## بررسی محتوای احادیث معتبر ارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث

روایاتی که سند معتبر داشتند عبارت‌اند از حدیث‌های سوم، چهارم، هفتم، نهم، سیزدهم و چهاردهم. سایر روایات گرچه سند آنها معتبر نیست و در روند صدور نظریه فقهی نمی‌توان به آنها استناد کرد، ولی محتوای احادیث معتبر را تأیید می‌کند. محتوای احادیث معتبر متفاوت است؛ حدیث سوم، نهم و چهاردهم می‌گوید: تمامی ترکه به زوجه داده شود. حدیث چهارم و هفتم می‌گوید: یک چهارم ترکه به زوجه داده شود و باقی در اختیار امام قرار گیرد. حدیث سیزدهم حکم به عدم رد به زوجین می‌کند. احادیث فوق در ظاهر تعارض نداشت؛ برخی حکم را بیان می‌کند و برخی دیگر حاکی از مقام اجراست. ترکیب و ادبیات احادیث چهارم و هفتم، حکم اولی را می‌رساند به این که ربع سهم زوجه و باقی در اختیار مقام امامت قرار داده شود. احادیث سوم و نهم و چهاردهم که می‌گوید: همه مال به زوجه داده شود، اجرای حکم و تعیین محل مصرف باقیمانده ترکه با امام است و در برخی موارد، باقیمانده به زوجه داده شده و در برخی موارد بین فقرا تقسیم گردیده است. برخی علما ذیل احادیث اعطای تمامی ترکه

زوج به زوجه نوشته‌اند: این حکم یا برای عصر غیبت است یا اینکه امام آن را به زوجه هبه کرده است. (تمیمی مغربی، پیشین، ج ۲: ۳۹۳) فقهای دیگری هم معتقدند:

اعطای تمامی ترکه به زوجه در این روایات تبرع امام به زوجه یا زاید بر سهم زوجه از انفال محسوب می‌شود و آن در عصر غیبت برای شیعیان حلال است. (فاضل هندی، ۱۴۲۳، ج ۹: ۴۶۲)

ابوجعفر محمدبن حسن طوسی ذیل حدیث سوم نوشته است:

این حدیث دو احتمال دارد: الف. ابن بابویه قمی می‌گوید جمع میان احادیث اقتضا دارد که گفته شود حکم این حدیث مربوط به عصر غیبت امام علیه السلام است؛ ب. روایت فوق حکم زنی را بیان می‌کند که یک چهارم را به حکم زوجیت و باقی را به حکم قرابت می‌برد. این احتمال نزد من بهتر است. (طوسی، همان: ۲۹۵)

برخی فقها در نقد نظریه ابن بابویه قمی می‌نویسند:

آنچه ایشان آن را جمع نامیده است، فاصله افکنی میان احادیث می‌باشد. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۲۴۳)

برخی فقها می‌نویسند:

احتمال صدوق، تعارض با صدور این حکم از امام در زمان حضور و عدم تصریح او به عصر غیبت دارد و احتمال شیخ با اطلاق عبارت ناسازگار است. (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۴، ج ۲۴: ۴۲۵)

ابوجعفر محمدبن حسن طوسی در توجیه روایتی که رد به زوجین را منع کرده است، می‌نویسد:

این روایت با سایر روایات تنافی ندارد. تمامی مال به زوجین از باب رد داده نمی‌شود؛ بخشی از باب فرض و بخشی دیگر از باب رد به آنها داده می‌شود. (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۴۹)

بررسی احادیث این باب ثابت می‌کند که اگر زوجه تنها وارث برای زوج باشد، بیشتر از یک چهارم ترکه را نمی‌برد و باقیمانده اموال در اختیار امام علیه السلام قرار می‌گیرد. روایات فوق اشاره‌ای به عصر غیبت و عدم دسترسی به امام علیه السلام را نکرده است، بنابراین، حکم این دوره را باید از جای دیگر استخراج کرد.

### ارث زوجه از ترکه زوج در فرض تنها وارث بودن در فقه امامیه

در مواردی و به ندرت اتفاق می‌افتد که متوفی جز زوجه وارثی نداشته باشد. در این صورت، سهم زوجه یک چهارم است و باقی مانده مورد گفتگوی فقهای امامیه قرار دارد. برخی فقهای امامیه می‌نویسند: نظریات فقهی ائمه فقه امامیه در فرضی که زوجه تنها وارث باشد، به سه دسته قابل تقسیم است:

## ۱. قول مشهور فقهای امامیه

زوجه فرض یک چهارم می‌برد، باقیمانده در حکم اموال بلا وارث است. برخی فقهای امامیه می‌نویسند: از احکام اختصاصی امامیه این است که اگر زوج تنها وارث باشد، نیم از ترکه را به فرض و نیم دیگر را به رد می‌برد. به بیت‌المال چیزی داده نمی‌شود و زوج سزاوارتر از بیت‌المال در ارث بردن است. دیگر فقها گفته‌اند باقیمانده به بیت‌المال تعلق می‌گیرد و برای این نظریه، اجماع علما را شاهد آورده‌اند و در پاسخ این ایراد که چرا به زوج رد می‌شود ولی به زوجه نه، گفته‌اند احکام شرع تابع دلیل است. در باب زوج دلیل بر رد داریم ولی در زوجه نداریم. روایت شاذی که حکم به رد به زوجه می‌کند قابل اعتنا نیست و فقها نیز به آن عمل نکرده‌اند. این تفاوت حکم میان زوجین شاید ناشی از بیشتر بودن حقوق مرد بر زن باشد. (موسوی بغدادی، ۱۴۱۵: ۵۸۵)

برخی دیگر نیز می‌نویسند:

اگر زنی بمیرد و جز زوج وارث دیگری نداشته باشد، نیمی از ما ترک را به فرض می‌برد و نیم باقی مانده به قاعده رد به او داده می‌شود. بر این حکم تمامی فقهای شیعه اتفاق نظر دارند، ولی اگر زوجه تنها وارث باشد، بیشتر از فرض به او داده نمی‌شود و حکم زوج قابل گسترش به زوجه نمی‌باشد. (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۳۳۱ و ۳۳۲)

از جمله فقهایی که این نظر را دارند عبارتند از: ۱. محمد بن علی بن ابراهیم احسائی معروف به ابن ابی‌جمهور (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۱۰: ۱۵۲)؛ ۲. زین‌الدین شهیدالثانی (مسالك الافهام، ج ۱۳: ۶۸)؛ ۳. زین‌الدین ابوالقاسم علی بن علی عاملی‌الفقحانی (۱۴۱۸: ۲۶۷)؛ ۴. جمال‌الدین ابی‌العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلّی (ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۹۸)؛ ۵. زین‌الدین ابی‌علی الحسن بن ابی‌طالب ابن ابی‌المجد الیوسفی. (یوسفی، بی‌تا، ج ۲: ۴۶۱)

### ۲. نظریه شیخ مفید

زوجه، سهم مفروض، یعنی یک چهارم ترکه را می‌برد و باقیمانده به او رد می‌شود. مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۴۴۲) نیز همین نظر را دارد.

### ۳. نظریه ابن بابویه قمی

در زمان حضور امام علیه السلام زاید بر فرض زوجه به امام داده می‌شود و در زمان غیبت به زوجه رد می‌شود. (محقق سبزواری، کفایة الاحکام: ۳۰۴) از جمله فقهایی که به این نظریه فتوا داده‌اند، عبارتند از: ۱. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (طوسی، بی‌تا: ۶۴۱ و ۶۴۲)؛ ۲. یحیی بن سعید حلّی هذلی. (هذلی، ۱۴۰۵: ۵۰۲)

بررسی اخبار معتبر ثابت کرد که زوجه فقط سهم اعلاى خود يعنى يك چهارم را مى برد و باقىمانده در حكم اموال امام عليه السلام است. همچنين در ميان احاديث معتبر دليلي براي انتقال تمامي ترکه به زوجه در عصر عدم دسترسي به امام يا غيبت او نداشتيم. عصر غيبت تابع شرايط كلي صدور حكم شرعي و اجراي آن است، از جمله اقامه حدود، تأديه ديانت و... . اختيارات مجتهد جامع شرايط فتوا و تقليد، يکي از اصول مهم صدور و اجراي احکام شرعي در عصر غيبت است. براساس ادله شرعي، اختيارات امام عليه السلام در اجراي و اقامه احکام شرعي به مجتهد جامع شرايط فتوا و تقليد تفويض شده است. مجتهد جامع شرايط فتوا و تقليد در عصر غيبت، واجد سمت نيابت امام عليه السلام و ولايت در اجراي احکام شرعي است. عبارات فقهای اماميه شاهد اين برداشت است.

۱. برخي فقها در باب لعان مى نويسند: ايذاء لعان از سوي فقيه در زمان غيبت امام معصوم، صحيح است و عموم کتاب و سنت بر صحت آن دلالت دارد، ... چون فقيه منصوب از ناحيه معصوم است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۸: ۳۱۲)

۲. برخي ديگر نوشته اند: برخي مى گویند فقيه فقط براي صدور حكم و فتوا منصوب شده و نماز جمعه را شامل نمى شود. مى گوييم اين استدلال، باطل است، چرا که فقيه براي تمام امور شرعي منصوب شده و نماز جمعه هم يکي از آنهاست. (کرکي، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۷۶)

۳. برخي ديگر مى نويسند: فقيه مأمون، در زمان غيبت، منصوب امام معصوم است. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۱۲)

۴. ديگري مى نويسد: فقيه شرعي، از سوي امام نصب شده است. (جبعی عاملی، روض الجنان: ۲۹۰)

۵. نوشته شده است: فقيه از ناحيه امام معصوم براي حاکميت در جميع امور شرعيه نصب شده است. (کرکي، همان: ۱۵۲)

۶. شهيد ثانی مى نويسد: فقها نايبان عمومي امام معصوم عليه السلام هستند. (جبعی عاملی، بی تا: ۸۷)

۷. سید عاملی مى نويسد: مجتهد جامع شرايط، قائم مقام امام زمان عليه السلام است. (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۲: ۴۵۶)

۸. محقق کرکي در جای ديگر مى نويسد: اصحاب ما اتفاق نظر دارند بر اينکه فقيه عادل امامي که جامع شرايط فتوا، يعنى مجتهد در احکام شرعي {باشد}، نايب از سوي ائمه هدی: است. (کرکي، همان: ۱۴۲)

۹. برخي مى نويسند: فقيه، نایب امام عليه السلام است. (فاضل هندی، همان: ۶۱)

۱۰. برخی دیگر نوشته‌اند: مجتهد (جامع شرایط فتوی و تقلید) جانشین امام در احکام است. (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۲، ۳۴۳)

برخی عبارات فقهی علاوه بر نیابت فقیه از امام، تصریح به عمومیت نیابت دارد، یعنی همه امور مربوط به امام را شامل می‌شود. علامه جمال‌الدین ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلّی اسدی (۶۴۸-۷۲۶) می‌نویسد: زکات در عصر غیبت به فقیه پرداخت می‌شود، زیرا نایب امام علیه السلام است و هر آنچه از شئون امام بوده، به عهده می‌گیرد. (علامه حلّی، نه‌ایة الأحکام، ج ۲: ۴۱۷) برخی فقهای دیگر از جمله ملامحمدباقر سبزواری (سبزواری، بی تا، ج ۳: ۴۷۷)، علی بن حسین کرکی (کرکی، ۱۴۰۸: ۴۲۱)؛ شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۱۸۶، ج ۲۰: ۳۷۴) و شیخ حسین بحرانی آل‌عصفور (۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۶) قریب به این عبارات را دارند. با توجه به بررسی ادله اختیارات و صلاحیت فقیه جامع شرایط فتوا و تقلید می‌توان گفت باقیمانده ترکه شخص پس از تأدیه سهم الارث زوجه‌اش در اختیار فقیه جامع شرایط فتوا و تقلید قرار می‌گیرد.

### پیشنهاد و نتیجه گیری

حکم روایات نقل شده از ائمه اهل بیت علیهم السلام ناظر به تقسیم ترکه در فرضی که زوجه تنها وارث باشد، متعدد است. اختلاف نظریات فقهی نیز ناشی از همین تفاوت است. بررسی اسناد روایات فوق می‌رساند که زوجه جز سهم مفروض در قرآن حق بیشتری ندارد. فقیه جامع شرایط فتوا و تقلید در عصر غیبت جایگاه و اختیارات مختلفی دارد که یکی از این اختیارات، حق تصرف در اموال و حقوق بلا صاحب است. فقیه جامع شرایط فتوا و تقلید با بررسی وضعیت مالی زوجه و سایر مصالحی که در نظر خواهد گرفت، ممکن است باقیمانده ترکه را به زوجه بدهد یا در مورد ضروری دیگری مصرف کند. قانونگذار می‌تواند در این مورد در فرضی که حکومت در اختیار فقیه جامع شرایط فتوا و تقلید قرار دارد، مصرف باقیمانده اموال را منوط به فتوای حاکم قرار دهد و یا پیش‌بینی کند که قاضی مطابق به فتوای متوفی حکم صادر کند.

## منايع و ماخذ

- احسانى، ابن أبى جمهور (١٤١٠)، الأقطاب الفقهية على مذهب الإمامية، تحقيق الشيخ محمد الحسون، مكتبة آية الله العظمى المرعى النجفى، قم.
- آل عصفور، شيخ حسين بخرانى (١٤١٠)، عيون الحقائق الناظرة فى تتممة الحدائق الناظرة، مؤسسة النشر الاسلامى، قم .
- بخرانى، يوسف (بى تا) الحدائق الناظرة الى احكام العترة الطاهرة، جامعة المدرسين، قم.
- تميمى مغربى، ابوحنيفة النعمان بن محمد (بى تا)، دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام عن أهل بيت رسول الله ﷺ .
- جبعى عاملى، زين الدين الشهيد الثانى (١٤١٦)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الاسلام، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم.
- \_\_\_\_\_ (بى تا) رسائل الشهيد الثانى، رسالة فى ميراث الزوجة، منشورات مكتبة بصيرتى، قم.
- \_\_\_\_\_ (بى تا) روض الجنان فى شرح ارشاد الازهان.
- حر عاملى، محمد بن الحسن (١٤٠٣)، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، اسلاميه، تهران.
- حلبى، السيد حمزة بن على ابن زهرة (١٤١٧)، غنية النزوع الى علمى الاصول و الفروع، تحقيق ابراهيم البهادرى، مؤسسة الإمام الصادق ٧، قم.
- حلبى، ابو جعفر محمد بن منصور بن احمد بن ادريس (١٤١٠)، السرائر، مؤسسة النشر الاسلامى، قم.
- حلبى جمال الدين أبى العباس أحمد بن محمد بن محمد بن فهد (١٤٠٧)، المهذب البارع فى شرح المختصر النافع، تحقيق: مجتبى العراقى، مؤسسة النشر الإسلامى، قم.
- حلبى، يحيى بن سعيد الهذلى (١٤٠٥)، الجامع للشرائع، مؤسسة سيد الشهداء العلمية، قم.
- سبزوارى، ملا محمد باقر (بى تا)، ذخيرة المعاد، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم.
- شريف مرتضى، موسى بغدادى (١٤١٥)، الانتصار، مؤسسة النشر الاسلامى، قم.

- صدوق القمی ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، جامعه المدرسین، قم.
- صدوق القمی ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۰۶)، فقه الرضا علیه السلام، تحقیق مؤسسة آل البيت: الطبعة الاولى، المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام، قم.
- صدوق القمی ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۱۵)، المتنوع، مؤسسة الامام الهادی علیه السلام، قم.
- طباطبایی البروجردی، آقا حسین (۱۴۱۴)، جامع الأحادیث الشیعة، قم.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۳۶۳)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالکتب الاسلامیة، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
- \_\_\_\_\_ (بی تا)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی، انتشارات قدس محمدی، قم.
- عاملی الفقعی، زین الدین أبو القاسم (۱۴۱۸)، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الإیقاعات و العقود، تحقیق: محمد برکت، مکتبة مدرسة إمام العصر، شیراز.
- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹)، مفتاح الكرامة، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- فاضل هندی، بهاء الدین محمد (۱۴۱۶)، كشف اللثام عن قواعد الاحکام، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۳)، كشف اللثام عن قواعد الاحکام، الطبعة الأولى، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.
- قانون الموارث مصر (۱۹۴۳)، رقم ۷۷.
- كاشف الغطاء، شیخ جعفر (بی تا) كشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء، انتشارات مهدوی، اصفهان.
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸)، جامع المقاصد، مؤسسه آل البيت، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸)، رسایل محقق کرکی، مؤسسه آل البيت، قم.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (بی تا)؛ الاصول من الکافی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.



- مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، مؤسسة الوفاء، قم.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۳۰)، الأحادیث المعتبرة فی جامع احادیث الشيعة، صبح صادق، قم.
- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰)، المقتعة، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.
- مقدس الأردبیلی (۱۴۱۴)، مجمع الفائدة و البرهان، الطبعة الأولى، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.
- یوسفی، زین الدین (بی تا)، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی